

ف، هیرمند

## به گرامیداشت از صدور "اعلامیه جهانی حقوق بشر"

و اینک ما در پیشواز دهم دسامبر 2015 قرار داریم، دهم دسامبر روز بزرگی در تاریخ انکشاف و تکامل حقوقی جامعه انسانی است، روز دهم دسامبر 1948 بود که اعلام و صدور "اعلامیه جهانی حقوق بشر" صورت گرفت. این سند با ارزش شاید یکی از با اهمیت ترین اسناد حقوقی باشد که تاریخ حقوقی انسان برای خود دیده است. گرچه در گراماگرم انقلاب کبیر فرانسه در سال 1789 اعلامیه حقوق شهروندی اصدار یافت که حاوی شناسایی بخشی از حقوق انسانی با محتوای عالی انسانی بود ولی به دلایل متنوع منجمله فقدان یک سازمان جهانی و نبود مراودات و ارتباطات نزدیک میان انسان های تمام قاره ها و عدم جمع بندی تجارب تلخ و جانگداز جنگ و خشونت، باعث آن گردید اعلامیه حقوق شهروندی، عمومی و عام نه گردد، که تنها امواج نوازش بخش انسانی آن فقط به کشور های حواشی محل صدور آن رسید و بس.

همچنان فرمان مگنا چار تا انگلستان (1215) و لوئاح حقوقی امریکا و معاهدات امضا شده در قرن 19 مبنی بر منع بردگی نیز پدید آمده بودند که به علل عقب ماندگی عمومی و شاید علل دگر نه توانسته بودند، در ساحة حقوق انسان اثرات جدی و همه جانبه از خود به جا بگذارند. اعلامیه جهانی حقوق بشر سال 1948 که تقریباً 67 سال قبل از امروز اصدار یافت از همه اسناد مرتبط به حقوق انسانی به شمول اسناد ذکر شده فوق ملهم می باشد. همچنان دیگر ارزش ها و اصول تکامل یافته حقوقی را که تا زمان صدور اعلامیه پدید آمده بود در خود جا گزین نموده است. باید یاد آن حقوقدانان عالیقدر را که با کمال غیر جانبداری سیاسی، مذهبی، ایدیولوژیک و... این اعلامیه را انشاء و تسوید نمودند، همیشه به خاطر داشته و گرامی بداریم، آن بزرگواران باوجود اختلافات جدی سیاسی، ایدیولوژیک و حضور رسمی استعمار کهن و تضاد میان دو قطب متخاصم در سازمان ملل متحد، توانستند که چنین اعلامیه ای را صادر و ثبت کنند، طی مراحل، تصویب و صدور آن نیز کار پُر جنجال و طاقت فرسای را ایجاب میکرد که آن فرهیخته گان مسلک حقوق تحمل رنج و عذاب آنرا برعهده گرفتند.

سند تاریخی "اعلامیه جهانی حقوق بشر" در واقعیت امر سند تاریخی ثبت هویت انسانیت است، صدور این سند، تسجیل شناسنامه انسان است، به عنوان یک موجود دارای حقوق و وجائب مساوی با همه انسان های دیگر در سیاره ما.

اعلامیه جهانی حقوق بشر محک و میزانی را اساسگزاری نمود، که متکی بر ارزش های مندرج آن انسانی بودن و انسانی نبودن اعمال سیاسی، حقوقی، مذهبی، اخلاقی و اجتماعی هر فرد، دولت و سازمانی را میتوان به ارزیابی گرفت، انسان قبل از صدور این اعلامیه به صورت رسمی و عریان و آشکار نمی توانست حقوق و جائبش را بر اساس کدام سند شناخته شده رسمی و جهانی استناد بدهد، این اعلامیه متکا و استناد معتبری برای وجود، اثبات و توجیه این حقوق و جائب او قرار گرفت.

اعلامیه دارای 30 ماده می باشد، در این مواد می توان ارزش ها و اصول آتی را دریافت نمود:

- اصل تساوی و برابری میان تمام انسان ها؛
- اصل برخورداری مساویانه و برابر از تمام حقوق و ارزش های مندرج در اعلامیه
- اصل رد نابرابری و تبعیض؛
- اصل حق زندگی و برخورداری از امنیت؛
- اصل ممنوعیت بردگی؛
- اصل منع شکنجه و منع رفتار های ظالمانه، موهن و ضد شأن بشری؛
- اصل رسمیت یافتن شخصیت حقوقی انسان و رعایت این شخصیت توسط قانون و در برابر قانون؛
- اصل بهره مندی از تساوی در برابر قانون و برخورداری از حمایت قانون حین مواجه شدن با تبعیض؛
- اصل رجوع به محاکم ملی، در صورت نقض حقوقش که در این اعلامیه ثبت شده است؛
- اصل منع توقیف، حبس و تبعید خودسرانه؛
- اصل حق رسیدگی دعوای افراد توسط محاکم مستقل، بیطرف و علنی به صورت عادلانه؛
- اصل حالت برائت زمه؛
- اصل قانونیت جرائم و مجازات ها؛
- اصل رعایت حریم خصوصی، مصئونیت مکاتبات، اقامتگاه و عدم تعرض به شرافت و نام اشخاص؛
- اصل حق مسافرت و گشت و گذار آزادانه؛
- اصل حق پناهندگی، منتفی بودن تقاضای رعایت چنین حقی در صورت ارتکاب جرائم عمومی؛
- اصل حق تابعیت؛
- اصل منع محروم ساختن خود سرانه از حق تابعیت؛
- اصل حق ازدواج، صرف نظر از تفاوت های نژادی، ملیت و... و تساوی حقوق طرفین ازدواج؛
- اصل رضایت کامل طرفین، در عقد ازدواج؛
- اصل محافظت از فامیل و حمایت آن منجانب دولت؛
- اصل حق مالکیت؛
- اصل ممنوعیت محروم ساختن خود سرانه از حق مالکیت؛
- اصل آزادی عقیده و مذهب و حق اجرای آزادانه مناسک دینی به صورت فردی و یا اجتماعی؛
- اصل حق آزادی بیان و نداشتن هراس از ابراز عقاید خود؛
- اصل دسترسی به معلومات، اطلاعات و افکار و انتشار آن؛
- اصل حق تشکیل اجتماعات مسالمت آمیز؛
- اصل ممنوعیت شمول اجباری در اجتماعات؛
- اصل حق سهمگیری در امور مملکت خود؛
- اصل حق شمول و استخدام مساویانه در پُست های عمومی؛
- اصل " منشأی قدرت اراده مردم است "؛
- اصل حق تأمینات اجتماعی و مستحق بودن شرایط مناسب رشد شخصیت انسانی؛
- اصل حق کار؛
- اصل حق کار مساوی و اجرت مساوی؛
- اصل عادلانه بودن مزد ها برای تأمین معشیت فامیل؛
- اصل حق تاسیس اتحادیه ها؛
- اصل حق استراحت و تفریح؛

- اصل حق مساعدت قانونی افراد حین ناتوانی در تأمین معیشت آنان ؛
- اصل حمایت زنان، مادران و کودکان ؛
- اصل حق آموزش و تعلیم ؛
- اصل احترام و رعایت مخالف خود در نصاب درسی آموزشی ؛
- اصل ارجحیت شیوه تعلیم و تربیت والدین به فرزندان ایشان ؛
- اصل حق آزادی در آفرینش های علمی و هنری ؛
- اصل حق حمایت از منافع معنوی و مادی آثار خود ؛
- اصل حق انتخاب در برقراری نظام مطلوبی که مطابق به ارزش های همین اعلامیه باشد ؛
- اصل حق افراد بر جامعه مبنی بر رشد شخصیتش ؛
- اصل تحدید حقوق افراد در قلمرو رعایت حقوق دیگران، نظم عمومی، رفاه همگانی در شرایط یک جامعه دموکراتیک ؛
- منع تفسیر مندرجات اعلامیه، به نحوی که مناقض حقوق افراد و شخصیت ها که در این اعلامیه درج است، توجیه گردد.

عده کثیری از حقوقدانان ( بخصوص لوویا لووین مفسر حقوق بشر ) معتقد اند که اعلامیه جهانی حقوق بشر را در صورتیکه به مفاد انسان بوده و مناقض سایر اصول مطروحه آن نباشد به راحتی می توان تفسیر وسیع نمود، در حالیکه موانع بر تطبیق و رعایت ارزش های آن را همیشه باید در قالب تفسیر مضیق قرارداد.

در این جا لازم است از تئوری " تفسیر فرهنگی " اسناد حقوق بشری - منجمله اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق های مربوطه - مختصراً ذکر به عمل آورد. تفسیر فرهنگی اسناد حقوق بشری به این شرح می باشد که محتوای هر اصل مندرج اسناد حقوق بشری در هر جامعه ای با دیدگاه و باور های همان جامعه تعبیر و تفسیر شود، حتی آن اصولی که با این دیدگاه های محلی تطابق نداشته باشند، رعایت و مراعات نه گردند، چنانچه عده ای به این باور اند که در بعضی از کشور ها بخشی از اصول شامل میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، نمی توانند و نباید تطبیق و رعایت شوند. اما عده ای دیگر حقوق دانان و مفسرین حقوق بشری چنین استدلال می کنند که در صورت عدم رعایت یکی و یا دو اصل متعلق حقوق بشری، اعتبار و تطبیق تمام اصول حقوق بشری زیر سوال رفته و مستبدین و زورگویان جهان به خاطر آز ها و جاه طلبی ها ایشان اصول حقوق بشری را منسوخ خواهند کرد، به همین جهت است که اکثریت قابل توجه حقوق دانان حوزه حقوق بشری با تفاسیر محلی و فرهنگی ماهوی یا متنی اصول حقوق بشری موافق نیستند و هواخواه رعایت کامل اصول حقوق بشری ولی با ظرافت های فرهنگی هر ملتی می باشند. رعایت و تطبیق اصول و ارزش های مندرج اعلامیه جهانی حقوق بشر، جنبه اخلاقی داشته و الزامیتی نه دارد، اما زمانی که این اصول و ارزش ها به شکل دساتیر و احکام شامل اسناد حقوقی دیگر مانند کانوانسیون ها ( میثاق ها )، پیمان های منطوقی، اسناد چند جانبه حقوق بشری، قرارداد های دوجانبه و ... درج و عهد شدند، ماهیت الزامی پیدا میکنند. که در این زمره می توان از میثاقین ( میثاق حقوق مدنی و سیاسی و میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ) یاد نمود، مثلاً رعایت اصول و مندرجات میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برای افغانستان جنبه الزامی دارد، زیرا این کشور در سال 1983 به این پیمان ها پیوسته و رعایت آنها را متقبل گردیده است.

بعد از انتشار و ابلاغ اعلامیه حقوق بشر، با الهام و انکشاف ارزش ها و اصول مندرج در آن به تعداد زیاد اسناد مهم جهانی، بین المللی، منطوقی و ملی به تاسی از این سند تصویب و انتشار یافتند، که از اولین های آن اسناد، می توان از میثاق اروپایی حقوق بشر و آزادی های اساسی ( 1953 ) نام برد.

همچنان از میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی (دسامبر 1966) و میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (دسامبر 1966) یاد آوری کرد که این دو میثاق را یکجایی بنام "میثاقین" نیز می شناسند، اسناد منطقی نیز به تاسی از این سند تهیه و تصویب گردیدند مانند میثاق امریکایی حقوق بشر و میثاق آفریقایی حقوق بشر.

بر علاوه اسناد دیگر نیز در همین روند ترتیب و به تصویب رسیدند، مانند میثاق کودک، میثاق منع شکنجه، رفتار های موهن و خلاف شأن انسانی، میثاق بین المللی رفع هرگونه تبعیض نژادی، میثاق رفع کلیه تبعیضات علیه زنان و شاید ده ها سند دیگر که مجموع این اسناد را بنام « اسناد بین المللی حقوق بشر» یاد میکنند. بخش از این اسناد که حاوی اصول عمومی است، بنام اسناد و ابزار های عام حقوق بشرمسا می شود. اسنادیکه اصول حقوق بشری را یا از نگاه طرز رعایت و یا خصوصیت های منطقی ویژگی بخشیده اند به نام اسناد خاص و یا ابزار های خاص حقوق بشری معرفی میکنند.

تحقق، تطبیق و تکامل ارزش های مندرج اعلامیه حقوق بشر، این عرصه از اصول و قواعد مربوط را در یک قلمرو تکامل یابنده دیگر حقوقی که عبارت از اصول و «حقوق بین الملل بشر دوستانه» می باشد رهنمون گردیده است.

توضیح این که بعد از ختم جنگ سرد شورای امنیت سازمان ملل متحد با ابتکار عمل بیشتر در حوزه جنگ های داخلی وارد فعالیت و اقدام شد، این شوری بر اساس ماده 39 بند 7 منشور ملل متحد هر واقعه و رویدادی را چه در حوزه های فرا ملی و چه در داخل مرز های ملی که اتفاق می افتند و صلح و امنیت جهانی را به مخاطره بی اندازند، در قلمرو مسائل قابل مداخله و دسترسی خود دانست و در سال 1993 کشتار های دسته جمعی در یوگوسلاوی را نقض صریح حقوق بشر دوستانه بین المللی اعلام کرد و در تدارک تأسیس یک محکمه بین المللی برای تعقیب مجرمین آن شد. حقوق بین الملل بشر دوستانه نقض حقوق بشری را نه تنها با ظرافت های تخصصی میزان میکند بلکه قلمرو تطبیقی اصول حقوق بشری را چنان توسعه می هد که محلی را برای توجیه خشونت و اعمال مغایر ارزش های انسانی باقی نمیگذارد. باید متذکر شد که "کمیسیون" حقوق بشر ملل متحد، بنابر توسعه گسترده اصول حقوق بشری و نیاز های وسیع انسان های قربانی مظالم نقض حقوق بشری، در سال 2004 از "کمیسیون" به "شورای حقوق بشر" ارتقا یافت .

در افغانستان بعد از سال 2002 پرداخت و توجه به توسعه و رعایت حقوق بشر به همکاری موسسات بین المللی حقوق بشری به طور قابل توجهی ارتقا یافت و حتی کمیسیون مستقل حقوق بشر بر اساس ماده 58 قانون اساسی تشکیل شد که علی الرغم ترکیب محافظه کارانه دولت و سلطه مشهود این عناصر بر ابعاد مختلف جامعه و عقب ماندگی آگاهی عمومی، این کمیسیون توانسته است مقاومت کرده و به موجودیت خود ادامه دهد و صدای اعتراض خود را در عرصه های متفاوت نقض حقوق بشر در کشور بلند نگه دارد. ولی این کمیسیون و نظام فعلی به شمول قوه قضایی آن نه توانسته اند، توقع اساسی حقوق بین الملل بشر دوستانه را که تأمین عدالت انتقالی باشد برآورده سازد، زیرا طوری که همه آگاه اند، طی کمتر از چهاردهه در افغانستان جنایات ضد بشری گسترده ای روی داده است که اجرای عدالت انتقالی رسیدگی قضایی این جنایات را ایجاب میکند، تعقیب متهمین به جنایات علیه بشریت، جینوسید، جنایات جنگی، به شمول کشتار های دسته جمعی، دستگیری و شکنجه، اعدام های دسته جمعی با ماهیت کشتار های دسته جمعی، از میان بردن امکانات حیاتی اتباع کشور، از بین بردن مخالفین سیاسی بدون اثبات عمل مجرمانه آنان و ده ها فعل مجرمانه دیگری که حایز تعریف در سطح جنایات ضد بشری می باشند، بدون پیگرد، تحقیق، تعقیب، رسیدگی قضایی و کیفر

قانونی مانده اند و جناح های محافظه کار در دولت و در جامعه در برابر اجرای عدالت انتقالی مقاومت کرده و نه گذاشته اند که اجرای عدالت و انصاف، در تحکیم اعتماد عمومی و آوردن صداقت و صفا میان اتباع و سازمان دولتی نقشی ایفا کرده و درد های هزاران فامیل قربانی این جنایات تسکین گردیده و باور به اعاده حق، ماهیت تطبیقی و عملی بیابد.

نسل های آینده مفاهیم و تعبیر بسیار تکامل یافته ای از اصول حقوق بشری را خواهند داشت، تمنی دارم، توقع و آرزویم است که در آن نسل های آینده بهره مند از حقوق بشری تکامل یافته، نسل آینده وطن من هم شامل باشد. انشاءالله

پایان

[www.hoqooq.eu](http://www.hoqooq.eu)

